

«روائع البيان في تفسير آيات الاحكام»

اثر صابونی، در یک نگاه

- محسن نورائی^۱
- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

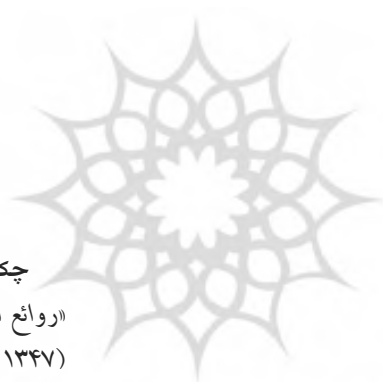
چکیده

«روائع البيان في تفسير آيات الاحكام من القرآن» نگاشته محمدعلی صابونی (۱۳۴۷ ق. - زنده تا ۱۴۲۴ ق.)، از جمله آثار قابل توجه اهل سنت در عرصه فقه پژوهی قرآنی است. آيات الاحكام نویسی اهل سنت با آثاری مانند آيات الاحكام ساینس و صابونی وارد مرحله تازه‌ای شد.

این اثر از جهاتی با آثار مدون پیش از خود متفاوت است. مراجعه به انبوه آثار سلف، توانایی در گزارش نیکوی اقوال گوناگون و عدم جانبداری از مذهب فقهی خاص و نیز توجه - هر چند گذرا - به برخی مسائل اجتماعی معاصر از ویژگیهای برجسته این اثر است.

نوشتار حاضر با مرور روش صابونی در «روائع البيان» و بیان برخی آرای او می‌کوشد تا امتیازها و کاستیهای آن را روشن سازد.

واژگان کلیدی: تفسیر، آيات الاحكام عامه، محمدعلی صابونی، روائع البيان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. زندگی نامه صابونی

محمدعلی بن جمیل صابونی، از قرآن پژوهان معاصر در سال ۱۳۴۷ ق. در کشور «سوریه»، شهر «حلب» به دنیا آمد. از زیست‌نامه و شرح حال او چیز زیادی نمی‌دانیم.^۱ اطلاعات اندکی که پس از کوشش زیاد به دست آمده بیانگر آن است که پدر او از عالمان شهر «حلب» بوده است. صابونی دوره آموزش متوسطه را در کشورش به پایان رسانده، آنگاه برای ادامه تحصیل به کشور «مصر» رفت و در سال ۱۳۷۱ ق. در دانشگاه «الازهر» با درجه لیسانس فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۷۳ ق. نیز در رشته «حقوق اسلامی» موفق به دریافت مدرک فوق لیسانس گردید.

او پس از این به شهر «مکه مکرمه» کوچید و در آن دیار معنوی رحل اقامت افکند و برای همیشه در آنجا ماندگار شد. پس از اقامت در این شهر بود که وی به اوج شکوفایی و شهرت خود رسید؛ زیرا او در سالیان زیادی که آنجا به سر برد با فکری آسوده، تمام فرصت خود را به پژوهش و نگارش پرداخت. وی همچنین در «دانشکده هیات و پژوهشهای اسلامی» شهر مکه تدریس می‌کرد. صابونی از این برهه زندگانی‌اش به خوبی و شیرینی یاد نموده و نگاشته است:

خداوند بزرگ مرتبه همجواری با بلد امین - مکه مکرمه که خداوند هر بدی و شر را از آن دور بدارد- را برایم فراهم آورد. در این دیار فضا و جوی برایم مهیاست که در پرداختن به مطالعه و پژوهش و نگارش بسیار کمک می‌نماید. در واقع خداوند بر من منت نهاد و مرا به همجواری با این سرزمین پاکیزه سرفراز نمود. سرزمینی که دیار امنیت، آرامش و ایمان است (۱۴۲۱: ۱۱/۱).

صابونی با استفاده از فضای آرامی که در اختیار داشت به پی‌جویی برنامه‌های پژوهشی خود که بیشتر پیرامون قرآن و دانشهای وابسته به آن بود، پرداخت. نگارش ۲۰ اثر علمی که برخی از آنها او را به شهرتی فراگیر رسانده است:

صفوة التفاسیر، من كنوز السنّه، رسالة الصلاة، النبوة و الانبياء، قبس من نور

۱. برای آگاهی از زیست‌نامه آقای صابونی به نگاشته‌های مختلف صابونی، گزارشات دیگران که به تألیفات و جایگاه علمی او پرداخته‌اند و نیز به پایگاههای اینترنتی مراجعه شد، اما اطلاعات بیشتر از آنچه گزارش شده، به دست نیامد.

القرآن، مختصر تفسیر ابن کثیر، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام، مختصر تفسیر الطبری، التبیان فی علوم القرآن، موقف الشریعة الغراء من نکاح المتعه، شبهات و اباطیل حول تعدد زوجات الرسول ﷺ، فقه العبادات فی ضوء الكتاب و السنّه، الموارث فی الشریعة الاسلامیة علی ضوء الكتاب و السنّه.^۱

۲. درنگی کوتاه در ساختار کتاب

عنوان «روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن» نامی است که صابونی بر تفسیر فقهی‌اش نهاده است. نگارش کتاب به سال ۱۳۹۱ ق. پایان یافت و پس از آن در دو جلد وزیری و ۱۲۳۲ صفحه منتشر شد. وی کتاب را با مقدمه کوتاه آغاز می‌کند و در آن از والایی جایگاه قرآن و ارزش خدمت‌گزاری بدان سخن می‌راند. او شیوه منتخبات در تدوین کتاب را چنین گزارش می‌نماید:

در بخشی از عمرم که در شهر «مکه» سپری شد توانستم برخی کتب را به رشته تحریر درآورم که جدیدترین آنها کتابی است که در آن آیات ویژه احکام را گرد آورده و اکنون پیش روی شماست. در این اثر استواری نگاشته‌های پیشین و سهولت تألیفات امروزی را یک‌جا گرد آوردم. شیوه‌ای که در پیش گرفتم بر تبویب دقیق مطالب و پژوهش عمیق و ژرف تأکید دارد (۱۴۲۱: ۱۲/۱).

بخشهای مختلف کتاب با عنوان «محاضره» از یکدیگر جدا گشته است. جلد نخست که ۴۰ محاضره را در بر دارد با تقریظ «عبدالله خیاط» خطیب مسجد الحرام همراه است. جلد دوم نیز به بررسی برخی احکام در قالب ۳۰ محاضره می‌پردازد. این جلد با قدردانی صابونی از «پدرش» و «دکتر صالح احمد رضا» فرجام پذیرفته است. این دو در تصحیح کتاب، صابونی را یاری نمودند. در پایان هر جلد نیز فهرست نه‌چندان دقیق مطالب به چشم می‌خورد. چاپ دوم کتاب که بر اساس آن نوشتار حاضر نگاشته شده، دچار برخی کاستیهای مطبعی است. این چاپ از «دار احیاء التراث العربی» است.

۱. برای کسب آگاهی از صابونی و نگاشته‌هایش، ر.ک: ایازی، ۱۴۱۴: ۴۷۰-۴۷۵؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۵۶/۲؛ صالح، ۱۴۲۴: ۳۶۱-۳۸۲.

صابونی آیات الاحکام را بر اساس ترتیب سوره‌ها در قرآن انتخاب کرده و ۲۱ سوره را در دامنه تحقیقش جای داده است. این شیوه، پراکندگی آیات یک موضوع را به دنبال دارد. مانند آیه‌های مربوط به قصاص و احکام حج که گسسته از هم بررسی شده است.^۱

شایسته یادآوری است، صابونی آیه‌های مربوط به عقود، معاملات، امر به معروف و نهی از منکر را یاد نموده است.

او پس از آوردن آیات، آنها را از زوایای گوناگون کاویده و با رعایت دقت و نظم، نتیجه بررسیهایش را در ۱۰ عنوان گزارش می‌نماید که چنین است:

۱. واژه‌شناسی آیه به همراه نمونه‌های ادبی و سخن ادیبان و مفسران؛

۲. بیان معنای اجمالی آیه؛

۳. گزارش سبب نزول؛

۴. برنمایاندن پیوند موجود میان آیه‌های پیشین و پسین؛

۵. پی‌جویی قرائنهای متواتر؛

۶. بررسی کوتاه وجوه اعراب آیه؛

۷. لطایف تفسیر که بیانگر اسرار و نکته‌های بلاغی و دقتهای علمی در آیه است؛

۸. بررسی احکام شرعی که در آن رأی فقیهان با ذکر دلیلشان و قول برتر یاد شده است؛

۹. چکیده مضمون آیه‌ها؛

۱۰. تبیین حکمت تشریح آیه‌ها.

عنوان برخی از محاضرات این جلد، چنین است: موقف الشریعة من السحر؛ کتمان العلم الشرعی؛ جریمه القتل و جزاؤها؛ حکم الأنفال فی الإسلام؛ الفرار من الزحف؛ نجوی الرسول؛ التزواج بین المسلمین و المشرکین؛ احکام زواج النبی؛ حجاب المرأة المسلمة؛ فی أعقاب حادثة الإفک.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به آیه‌ها و احکام مربوط به حج اشاره نمود که به صورت جداگانه در جلد نخست و در صفحه‌های ۱۳۲، ۲۳۵، ۴۰۵ و ۶۰۹ آمده و نیز آیات بیانگر حکم قتل که در جلد دوم صفحه‌های ۱۶۸ و ۴۹۱ یاد شده است.

بدان جهت که در کتاب «روائع البیان» نام این سوره‌ها و شمار آیه‌ها به صورت جداگانه یاد نشده، گزارش آماری از آن می‌تواند برای خواننده سودمند باشد. نام سوره‌های برگزیده صابونی و نیز شمار آیات منتخب وی چنین است: فاتحة الكتاب (۷-۱)؛ بقره (۱۰۳-۱۰۶، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۵۸-۱۶۰، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۹۰-۱۹۳، ۲۱۶-۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۷۵-۲۸۱)؛ آل عمران (۲۸-۲۹، ۹۶-۹۷)؛ نساء (۱-۴، ۱۵-۱۸، ۴۱)؛ حج (۳۶-۳۷)؛ نور مائده (۵-۶، ۴۰، ۳۳، ۸۹-۹۲)؛ توبه (۱۷-۱۸، ۲۸-۲۹)؛ انفال (۱-۴، ۱۵-۱۸، ۴۱)؛ حج (۳۶-۳۷)؛ نور (۱-۱۰، ۲۲-۳۴، ۵۸-۶۱)؛ لقمان (۱۲-۱۵)؛ احزاب (۱-۶، ۴۹-۵۴، ۵۶-۵۹)؛ سبأ (۱۰-۱۴)؛ ص (۴۱-۴۴)؛ محمد ﷺ (۴-۶، ۳۲-۳۵)؛ حجرات (۶-۱۰)؛ واقعه (۷۵-۷۸)؛ مجادله (۱-۴، ۱۱-۱۴)؛ ممتحنه (۱۰-۱۳)؛ جمعه (۹-۱۱)؛ طلاق (۱-۷)؛ مزمل (۱-۱۰).

۳. صابونی و نگره‌اش در قلمرو آیات الاحکام

گرچه تمام آیه‌های قرآن، هدایت انسان را هدف گرفته، در کنار آن هر یک بیانگر موضوعی ویژه نیز می‌باشد؛ برخی از آنها به بیان احکام شرعی پرداخته و برخی قصص ادیان پیشین را باز می‌گویند. شماری نیز امثال قرآنی را یادآور می‌گردند و بعضی به بیان معارف و یا مسائل دیگر می‌پردازند. پرسش اساسی این است: آیا احکام فقهی را تنها باید از نوع نخست آیه‌های یادشده جست یا درنگ در گونه‌های دیگر هم توان رهنمونی به احکام فقهی را داراست؟ پاسخی که مفسر برابر این پرسش می‌نهد به افزونی یا اندکی شمار آیات الاحکام می‌انجامد.

صابونی در استنباط حکم شرعی به آیات الامثال اشاره نکرده است. به نظر او آیات قصص نیز تنها هنگامی شایسته استناد فقهی است که با قوانین اسلام نسخ نشده باشد. نظری که او پیرامون سجده برادران حضرت یوسف عليه السلام بیان داشته نمونه‌ای روشن در این باره است. وی می‌گوید انجام سجده با انگیزه تحیت در شریعت حضرت یوسف عليه السلام روا بوده است، لذا سجده برادران یوسف بر اساس قوانین شریعت آنان کار ناروایی شمرده نمی‌شود، اما چنین کاری در شرع ما حرام است؛ زیرا شریعت اسلام ناسخ شرایع پیشین می‌باشد. قاعده‌ای که وی در این باره یاد کرده چنین است: شریعت پیش از ما تا زمانی برای ما معتبر است که در دین ما نسخ

نشده باشد (۱۴۲۱: ۲/۴۲۰). شاید به همین جهت است که از این گونه آیه‌ها هم استفاده چندانی نکرده است.

او احکام فقهی را تنها با تکیه بر آیه‌هایی بررسیده که به گونه آشکار بیانگر آن باشد. شاید از این روست که شمار زیادی از ۲۴۰ آیه‌ای را که در کتابش آورده، در استنباط حکم به کار نگرفته و تنها به تفسیر آن بسنده کرده است. به عنوان نمونه ذیل عنوان «حرمت مسّ مصحف» سیزده آیه را یاد کرده و تنها به استناد دو آیه، حکم شرعی را استنباط نموده است (همان: ۴۹۶-۵۱۱) و نیز در پی عنوان «تلاوة القرآن» ۱۰ آیه از سوره مزمل را آورده و تنها دو حکم شرعی از برخی آیه‌های آن به دست داده است (همان: ۶۲۱-۶۳۱).

ممکن است این هم از شیوه پژوهش صابونی سرچشمه گیرد؛ زیرا در شیوه منتخبش، از یک سو در موارد فراوان نگاه تفسیری وی از نگرش فقهی بدان پیشی گرفته است و از دیگر سوی، والایی فوق العاده سخنان سلف در نگاهش تمام توان وی را به گزارش و توجیه آن مشغول و او را از اندیشیدن به فراتر از آن باز داشته است. کوتاه سخن اینکه به نظر، شیوه او، توسعه در قلمرو آیات الاحکام را برنتاییده و آنها را در حوزه‌ای نه چندان فراخ تعریف می‌نماید.

۴. آرای اصولی

قرآن، سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، قول صحابی، اجماع، قیاس، استحسان و عرف، منابع و مصادر مهم استنباط در فقه حنفیه به شمار می‌آید (الخن، ۱۴۲۰: ۳۶۰). اکنون به بررسی چگونگی کار صابونی پیرامون برخی از این منابع و آرای برگزیده او بسنده می‌شود. عناوین منتخب چنین‌اند: سیره؛ اجماع؛ قواعد فقهی؛ برخی آرای ویژه فقهی.

۴-۱. سیره

مراد از سیره در اینجا عبارت است از گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز قول صحابی. صابونی همانند بسیاری از دانشوران اصولی به حجیت سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معتقد است. به باور او گفتار و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تنهایی برای اثبات شرعی بودن یک کار

کافی است (۱۴۲۱: ۱/۵۷۱، ۵۸۲ و ۳۲/۲ و ۴۵۷). بنابراین پیروی از رفتار ایشان و تأسی بدان واجب می‌باشد (همان: ۱/۱۴۱ و ۲۵۰). از این رو، وی از اینکه برخی با وجود آگاهی از سیره درباره شرعی بودن یک کار تردید می‌نمایند، شگفت زده می‌شود (همان: ۲۲/۲).

نکته مهمی که در نگره اصولی صابونی به سیره به چشم می‌آید، ارزشمندی سیره صحابه در کنار سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. او رفتار صحابه را به مانند سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ارزیابی کرده و کارشان را معیاری برای تشخیص شرعی بودن کارها تلقی و در مواردی به آن استناد می‌کند (همان: ۱/۵۷۱، ۴۵۴، ۵۵۶ و ۳۵۳/۲ و ۵۰۸). به عنوان نمونه درباره حکم «کمترین مقدار مهریه» وی چنین معتقد است: هر آنچه ثمن بودنش در معامله جایز است مهریه قرار گرفتنش نیز رواست. او در استوارسازی نظر خود به سیره یکی از تابعان استناد نموده و می‌گوید:

«سعید بن مسیب» که از تابعان بزرگ است، مهریه فرزندش را دو درهم قرار داد و هیچ کس بر او خرده نگرفت (همان: ۱/۴۵۳ و ۴۵۴).

صابونی علت حجیت سیره صحابه را پیروی همه جانبه و بی چون و چرای آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند و معتقد است که پیروی آنان از محبت فراوانشان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرچشمه می‌گیرد. او در این باره نوشته:

سلف صالح از تمام کارها و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرمشق گرفته و از آن پیروی می‌نمودند، هر چند در همه موارد از رمز و راز آن آگاه نبودند. درباره یکی از صحابه گفته‌اند که پس از به جای آوردن نماز جمعه، ساعتی به گردش در بازار پرداخت، سپس به مسجد بازگشته و به خواندن نمازهای دیگری پرداخت. به او گفتند: چرا چنین نمودی؟ گفت: من بزرگترین فرستادگان خداوند را دیدم که چنین کرد و من هم از او پیروی نمودم و سپس این آیه را تلاوت نمود: «فإذا قضیت الصلاة فانتشروا فی الأرض» (جمعه/ ۱۰). (همان: ۲/۵۷۸)

۴-۲. اجماع

اجماع به عنوان یکی از منابع مهم استنباط در فقه اهل سنت مطرح است. تعاریف

۱. و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید.

گوناهگونی در دانش اصول برای این اصطلاح ارائه شده است، اما تعریف صاحب «ارشاد الفحول» که به نظر برخی تعریف مناسبی است، چنین می‌باشد: «اتفاق مجتهدی امة محمد ﷺ بعد وفاته فی عصر من الأعصار علی أمر من الأمور؛ اجماع، هماهنگی پیروان حضرت محمد ﷺ است که درباره کاری از کارها و در زمانی از زمانها شکل گرفته باشد (الخن، ۱۴۲۴: ۴۵۵).

اختلاف اصولیان درباره اجماع، تنها در ارائه تعریف اصطلاحی از آن نیست، بلکه در تعیین مراد از افراد معتبر در تحقق اجماع نیز هم‌داستان نیستند: برخی معتقدند که اجماع تمام امت و پیروان پیامبر اکرم ﷺ معتبر است، گروهی دیگر نیز بر این نظرند که اجماع اهل مدینه حجت است و بعضی دیگر به اعتبار اجماع صحابه باور دارند.

از سخنان صابونی چنین برمی‌آید که وی اجماع را توافق و اجتماع صحابه بر یک حکم می‌داند. حکم فردی که مرتکب دزدی می‌شود در سوره مبارکه مائده چنین بیان شده است: «و السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما»^۱ (مائده/ ۳۸) یکی از پرسشهایی که پیرامون این حکم مطرح می‌شود این است که اگر دزد پس از آنکه دستش جدا شد دوباره سرقت نماید چه تنبیهی برای او در نظر گرفته می‌شود؟ صابونی در کنار روایتی که در این باب از دارقطنی گزارش نموده است چنین می‌نگارد:

اگر سارق پس از اجرای حد و قطع دست دوباره دزدی کرد، پای چپ او جدا می‌گردد. این حکم با استناد به انجام این کار از سوی حضرت علی (ع) و عمر استنباط می‌شود؛ زیرا آنان در چنین موردی پای دزد را جدا نمودند و این کار و حکمشان برابر صحابه بود و هیچ یک از صحابه منکر درستی کارشان نشده و بر آنان خرده نگرفت. بر این اساس می‌توان گفت این حکم اجماعی است (۱۴۲۱: ۵۵۶/۱).

او معتقد است به علت استواری و قوت حجیت اجماع، مخالفت با آن به آسانی ممکن نیست و کار ناپسندی شمرده می‌شود. وی در مورد وقوع طلاق سوم در یک

۱. مرد و زن دزد (به سزای آنچه کرده‌اند) دستشان را ببرید.

مجلس نگاشته است:

آنچه مخالفان این نظر گفته‌اند توانایی رد ادله جمهور را که به وقوع چنین طلاق‌ی معتقدند، ندارد. به ویژه اجماع صحابه که دلیلی استوار است و این اجماع رساترین دلیل و محکم‌ترین حجت و برهان جمهور شمرده می‌شود. بر این اساس، ما معتقدیم قانونی که خداوند متعال پابندی به آن را از ما خواسته است، همان است که در این مورد صحابه و فقیهان بر آن اجماع نموده‌اند و مخالفت با اجماع چیز اندک و کم‌اهمیت و یا سبکی نیست (همان: ۳۳۵).

قلم صابونی هنگامی که می‌بیند گاه افرادی با دقت کم و آگاهی اندک سخنی بر خلاف اجماع به زبان می‌رانند، تند شده و بر آنان می‌تازد. نقد نظر کسانی که با تکیه بر آیه کریمه «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع»^۱ (نساء/ ۳) به جواز ازدواج دائم با نه زن در یک زمان حکم رانندند، نمونه‌ای روشن در این باره است. صابونی در ارزیابی این سخن نوشته است:

آنچه این افراد تازه کار و مبتدی گفته‌اند مخالف اجماع است؛ زیرا اجماع بزرگان و صحابه بر حرام بودن ازدواج با بیش از چهار زن، منعقد شده است و عصر اجماع‌کنندگان نیز سپری شده است، بنابراین با مخالفت این شمار اندک و ناچیز اجماع شکسته نشده و حجیتش را از دست نمی‌دهد و بر قوت و استحکام آغازینش باقی می‌ماند و آنچه اینان به زبان رانندند از سر نادانی و کم‌خردی است و همان‌گونه که شاعر سروده است باید گفت که:

و من أخذ العلوم بغير شيخ
و کم من عائب قولاً صحیحاً
يضل عن الصراط المستقيم
و آفته من «الفهم السقيم»^۲

۳-۴. قواعد فقهی

صابونی در مواردی نه اندک به برخی از قواعد فقهی استناد می‌نماید. به عنوان نمونه ذیل آیه «لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المريض حرج و لا

۱. هرچه از زنان، شما را پسند افتد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.
۲. هر که دانش را بدون استاد فرا گیرد از راه درست دور افتاده و گمراه می‌شود و چه بسا افرادی که بر سخن درست ایراد می‌گیرند و آفت آنان فهم نادرست و بیمار است (ر.ک: صابونی، ۱۴۲۱: ۴۲۷/۱).

علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت آبائکم أو بیوت أمهاتکم»^۱ (نور/ ۶۱) این فرع فقهی را طرح و بررسی نموده که آیا دست سارق هنگامی که از منزل محارم دزدی نمود قطع می‌شود.

به نظر او دست چنین دزدی نباید قطع گردد، هر چند سزاوار تعزیر خواهد بود. علت سقوط حد قطع دست نسبت به او، پیوند محکم و استوار فامیلی است که میان او و صاحب‌خانه است و این قرابت و نسبت نزدیک سبب ایجاد شبهه می‌گردد و از طرفی می‌دانیم که «الحدود تدرأ بالشبهات»، نتیجه اینکه حد قطع دست درباره او جاری نخواهد شد و او تنها سزاوار تعزیر می‌باشد (همان: ۲۳۱-۲۳۲ و ۵۵۵).

و نیز به دنبال آیه کریمه ﴿و إذا ضربتم فی الأرض فلیس علیکم جناح أن تقصروا من الصلاة﴾^۲ (نساء/ ۱۰۱) که بیانگر حکم قصر نمازهای مسافر است، به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا در هر سفری قصر نماز جایز است یا این حکم ویژه سفرهایی است که سفر معصیت شمرده نشود. برخی بر این نظرند که مطلق سفر (خواه معصیت و خواه غیر معصیت)، مجوز قصر نماز است. اما صابونی به همراه عده زیادی چنین باور دارند که نماز، تنها در سفر مباح قصر می‌شود. وی یکی از ادله خود برای اثبات این نظر را پرهیز از کمک دیگران برای انجام کار نادرست و معصیت می‌داند و می‌نگارد: «ثلاثا نعینه علی المعصية والله تعالی یقول: ﴿ولا تعاونوا علی الإثم و العداون﴾^۳ (مائده/ ۲). (همان: ۵۱۷ و ۵۱۸)

او افزون بر استناد به قواعد فقهی گاه پیرامون مفاد قاعده و نیز مستندات قرآنی و یا روایی آن، نکاتی را به آگاهی می‌رساند. به عنوان نمونه وی به دنبال آیه کریمه ﴿یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر﴾^۴ (بقره/ ۱۸۵) چنین نگاه داشته است: در این آیه یکی از محسنات بدیعی به کار رفته است که در دین وجود دارد و با استناد به مفاد همین آیه، فقیهان قاعده‌ای را استنباط نموده‌اند و آن قاعده چنین بازگو می‌شود: «المنفعة تجلب

۱. بر نایبیا و لنگ و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان.

۲. و چون در زمین سفر کردید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.

۳. و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

۴. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

التیسر» (همان: ۱۹۸ و ۱۹۹). همچنین در تبیین افرادی که به سبب «مصاهرت» (ازدواج) محرم یک مرد محسوب می‌شوند به آیه کریمه ﴿و أمهات نسائکم و ربائیکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهنّ فإن لم تکنوا دخلتم بهنّ فلا جناح علیکم﴾^۱ (نساء/ ۲۳) استناد کرده و چنین آورده است:

آنچه مفاد آیه بیان می‌کند این است که مادر زن، به مجرد عقد، محرم مرد می‌شود، اما دختر زن، تنها در حالت ویژه، محرم مرد می‌شود و عقد به تنهایی سبب محرمیت مرد با دختر زنش نخواهد بود. عالمان و فقیهان با تکیه بر این آیه یک قاعده را استنباط و رایج نمودند که «العقد علی البنات یحرم الأمهات و الدخول بالأمهات یحرم البنات» (همان: ۱۶۳، ۳۲۹ و ۴۵۵).

نکته پایانی اینکه وی علاوه بر آنچه یاد شد به قواعدی مانند قاعده نفی سبیل (همان: ۴۰۴)، یحرم من الرضاعة ما یحرم بالنسب (همان: ۳۵۴ و ۴۵۴)، الولد للفراس (همان: ۹۵/۲)، قاعده تساهل (همان: ۱۰۹/۱، ۱۲۷ و ۲۴۸) نیز اشاره و استناد می‌کند.

۴-۴. برخی آرای ویژه فقهی

صابونی در بررسی احکام شرعی (به مانند بخشهای دیگر کتابش) بیشترین کوشش خود را به گزارش آرای فقیهان اختصاص داده و تلاش می‌کند تا به گونه‌ای سودمند و نیکو نظرات گوناگون و ادله آنها را به آگاهی خواننده برساند. او در این میان خود را چندان درگیر بحث نمی‌نماید و تنها در پایان بررسی یک مسئله، بسیار کوتاه و گذرا نظر برگزیده خود را یادآوری می‌کند.

اما گاهی فراتر از این شیوه به صورت نمایان و برجسته‌تر وارد معرکه آرا شده و به مناقشه با اقوال و ادله آن می‌پردازد که در برخی موارد با گزینش نظر فقهی ویژه فرجام می‌یابد. آنچه که وی به دنبال بررسی حکم عکس‌برداری با دوربین آورده، نمونه‌ای از این موارد می‌باشد.

صابونی معتقد است که حتی اگر عکس‌برداری با دوربین، از نظر شرعی جایز

۱. و مادران زنانان و دختران همسرانتان که [آن دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید، پس اگر با آنان همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید].

باشد، دایره جوازش محدود است و در استفاده از آن باید به اندازه ضرورت بسنده کرد (همان: ۴۱۵-۴۱۷). نمونه دیگر را می‌توان درباره حکم «پوشش صورت زنان» گزارش نمود. او پیدا بودن صورت و دست زنان را به هنگام حضور در نزد نامحرم روا نمی‌داند. هرچند او، استثنای «وجه و کفین» از محدوده حجاب شرعی را نادیده نمی‌انگارد، ولی معتقد است آلودگی اخلاقی جامعه سبب می‌شود تا ما به «حرمت کشف وجه و کفین» حکم نماییم (همان: ۱۵۷/۲ و ۱۵۸).

۵. روش تفسیری

صابونی به هنگام تفسیر آیات، نخست آیات مورد نظر را یاد و سپس با استشهاد به سخنان مفسران و ادیبان به تحلیل لفظی و بیان معنای اجمالی آنها پرداخته و اگر برای آیه سبب نزولی بیابد آن را نقل می‌کند. گزارش و بیان وجوه قرائت، وجوه اعراب و یادآوری لطایف تفسیری بخش دیگری از کوششهای او در ساماندهی مطالب تفسیری می‌باشد.

افزون بر این، وی به تبیین حکمت تشریح و برنمایاندن تناسب و پیوند میان آیات پیشین و پسین نیز همت می‌گمارد. به نظر، پرداختن به دو نکته اخیر در نگاشته‌های آیات الاحکام، پیشینه کمتری داشته و شاید بتوان آن را از امتیازات اثر صابونی در برابر نگاشته‌های همانند دانست. صابونی برای ارائه مفاد آیات (به مانند بخشهای دیگر در کتابش) بیشترین تلاش خود را بر گزینش گزارش و اقوال عالمان متمرکز نموده است و با تکیه بر ابزارهای گوناگون می‌کوشد تا بتواند مراد آیات را به روشنی فرا روی خواننده بنهد.

نگاه به برخی واقعیات، مسائل و مشکلات جامعه به هنگام تفسیر آیات، از نکات شایسته توجهی است که صابونی در اثرش در پیش گرفته است؛ از این رو نمونه‌هایی از آن ذیل عنوان «تبیین آیات با توجه به مشکلات امروزی جامعه» گزارش می‌شود. چگونگی تعامل صابونی با اهل بیت علیهم‌السلام نیز در روش تفسیری صابونی حایز اهمیت است؛ زیرا او نویسنده‌ای سنی‌مذهب است و گزارش کتاب او از این زاویه، پاسخ به پرسش برخی خوانندگان و گامی در شناساندن بهتر کتاب محسوب می‌گردد.

۱-۵. تبیین وجوه ادبی در آیه

بررسی آیه با تکیه بر داده‌های دانش لغت، صرف، نحو و بلاغت را باید از ابزار مهم و پرکاربرد صابونی در تفسیر آیات دانست. علاوه بر استنادات فراوانش به سخنان عالمان گذشته، حضور جدی و پویای او در مباحث نیز آشکار است که بیانگر توانایی او در این عرصه می‌باشد. بررسی میزان و چگونگی تأثیر همه دانشهای ادبی یادشده در «روائع الیاب» مجال دیگری می‌طلبد؛ از این رو تنها به ذکر آدرس برخی موارد بسنده می‌شود (ر.ک: همان: ۴۰/۱، ۱۴۹، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۹۹، ۲۲۷، ۲۳۸-۲۴۰، ۲۴۳، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۲۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۰۱، ۴۲۳، ۴۳۸، ۴۸۱، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۳۴، ۵۶۰، ۵۷۱، ۵۷۹ و ۶۰۲؛ ۱۴/۲، ۸۲، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۸، ۲۴۱، ۲۵۳-۲۵۰، ۲۷۶، ۲۸۴-۲۸۶، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۶۰، ۳۹۲-۳۹۷، ۴۴۲-۴۴۵، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۷۷).

۲-۵. تفسیر قرآن به قرآن

دانش تفسیر که تبیین مراد آیات را هدف گرفته است، مفسر را وا می‌دارد تا از ابزارهای مختلف برای دستیابی بدین مقصود سود جوید. یکی از این ابزارها بهره جستن از برخی آیات برای تفسیر آیات دیگر است. کارآمدی این شیوه که به «تفسیر قرآن به قرآن» نامبردار است، از این‌روست که آیات قرآن اجزای یک مجموعه بوده و مبدأ یگانه‌ای دارد. بنابراین منطقی است که برخی اجزاء، توان تفسیر اجزای دیگر را دارا باشد.

صابونی در برخی تعابیر، نگرش تفسیری خود را به این مسئله چنین یادآور شده است که برخی آیه‌ها، آیات دیگر را تفسیر می‌نماید (همان: ۱۴۷/۱). او در موارد فراوان با تکیه بر این سخن به تبیین مراد آیات پرداخته است. برای نمونه به دنبال آیه **﴿إِنَّا وَجَدناه صابراً﴾**^۱ (ص/ ۴۴) آورده است:

خداوند حضرت ایوب علیه‌السلام را با ویژگی «صبر» وصف نموده است، با آنکه او از آسیبی که بدو رسید به نزد خداوند شکوه برده و چنین گفت: **﴿إِذْ نادى رَبّه أَنى مَسى الضّرّ﴾**، ^۲ (انبیاء/ ۸۳) در اینجا (سوره ص) نیز گفته: **﴿وَإِذْ نادى أیوب إِذْ نادى﴾**

۱. ما او را شکویا یافتیم.

۲. هنگامی که [ایوب] پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است.

ربّه آتی مستی الشیطان بنصب و عذاب»^۱ (ص / ۴۱) در کنار هم نهادن این آیات ما را به این گزاره رهنمون می‌گردد که شیوه بردن نزد خداوند با «صبر» منافات نداشته و با آن ناسازگار نیست. حضرت یعقوب علیه السلام نیز گفت: «قال إنما أشكو بثي و حزني إلى الله»،^۲ (یوسف / ۸۶) اگر شیوه بر آستان خداوند با صبر ناسازگار بود ایشان شایسته چنین ستایشی نبود (همان: ۲۹، ۶۴، ۹۸، ۳۵۹ و ۵۲۳؛ ۴۲۸/۲، ۴۲۹، ۲۸۵، ۴۶۰، ۵۰۲، ۵۷۳ و ۵۷۸).

همچنین صابونی با تکیه به برخی آیات و واژه‌های آن به تبیین معنای واژه‌ها (همان: ۱۷/۱، ۲۸، ۲۹، ۱۱۲، ۵۲۳ و ۵۹۵؛ ۲۳۵/۲) و تبیین نکات ادبی آیات دیگر (همان: ۲۵۷/۱؛ ۸۲/۲، ۴۸۱ و ۵۴۱) پرداخته است. باید تأکید کرد که بیشتر تلاش او در تفسیر قرآن به قرآن در همین حوزه، یعنی تبیین نکات ادبی و بیان معانی واژه‌ها صورت گرفته است.

او مانند «فخر رازی» از کار برخی عالمان اظهار شگفتی می‌نماید. کار آنان که به هنگام برخورد با ناهماهنگی اسلوب ادبی قرآن و قواعد ادبیات عرب می‌کوشند تا شعری هرچند ناشناس که همسو با اسلوب قرآنی است بیابند تا با تکیه بدان درستی شیوه ادبی قرآن را استوار سازند. آنان با یافتن این‌گونه شواهد و اشعار شادمان شده و می‌پندارند که به حجت محکم دست یافته‌اند. غافل از اینکه کاربرد یک نکته ادبی در قرآن (که دوست و دشمن بر فصاحت آن هم‌داستانند) خود محکم‌ترین دلیل بر درستی آن است و نیازی به استناد به اشعار گمنام و ناشناس نیست. صابونی در ادامه برتری شیوه به کار گرفته شده در قرآن نسبت به قواعد ادبیات عرب را یادآور شده و می‌نگارد:

قرآن کریم برتر از لغت بوده و هرگز لغت حجت بر قرآن نمی‌باشد (همان: ۲۲۷/۱ و ۲۲۸).

۳-۵. تبیین آیات با توجه به مشکلات امروزی جامعه

نگاشته‌های تفسیری و فقهی آن‌گاه سودمند و روزآمد است که در آغازین گام،

۱. آن‌گاه که [ایوب] پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد.
۲. [یعقوب] گفت: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم.

مفسر یا فقیه، با یک چشم منابع و متون را ژرف بکاود و با دیگر چشم، جامعه و مشکلات دینی‌اش را نیک بنگرد، پس از آن بی‌مهابا مشکلات را گوشزد و به ریشه‌یابی درست آن بپردازد. در نهایت با تکیه بر معارف دین راه برون‌شد از آن را عرضه نماید.

صابونی در نگاشته خود گام در چنین مسیری نهاده است. آقای «عبدالله خیاط» در تقریظش بر «روائع البیان» مسئله‌هایی به مانند حجاب زنان را یادآور شده و سپس در ادامه نگاشته است:

آنچه گفتیم بخشی از مشکلات دینی جامعه در روزگار نوین است که یادآوری آنها و بازگویی نظر دین درباره‌اش کاری بایسته می‌باشد.

صابونی به دور از پرده‌پوشی و بی‌هراس از سرزنش و ملامت دیگران، نگاه خود را به این نوع از مشکلات دوخته است و کوشیده تا تصویر درستی از آموزه‌های دین در این باره ترسیم کند. آموزه‌هایی که انسان را عزت بخشیده و با تکیه بدان توان آن می‌یابد تا خواسته‌های نادرست نفسانی را به یک سو افکند (همان: ۷). اکنون نه سنجش میزان کامیابی، بلکه تنها گزارش کار صابونی در این عرصه در پی می‌آید.

دوران معاصر در بوتۀ محک

برای تقریر درست سخن صابونی در زمینه مشکلات اجتماعی باید در آغاز، ارزیابی او از دوران معاصر روشن گردد. تصویری که او از روزگار کنونی به دست می‌دهد، بسیار تاریک و آلوده به نظر می‌رسد و فاصله و تفاوت فراوان با آموزه‌های دین دارد. او در موردی آورده است:

در این روزگار ردیلتها بر فضیلتها پیشی گرفته، مفاهیم و ارزشهای اخلاقی دست‌خوش دگرسانی شده است. نمادهای بی‌خردی چونان مظاهر پیشرفت و تمدن شمرده می‌شود. کدامین انسان در چنین اوضاعی از آینده خوفناک بشریت نمی‌هراسد؟ در این روزگار که عصر نورش خوانند، می‌بینیم برخی گاو را پرستیده و به فضولاتش تبرک می‌جویند. پس چه‌سان به خردورزی بشر مطمئن گردیم در حالی که گام به سوی سقوط در پیش می‌نهد (همان: ۴۲۲/۲).

او از جاهلیتی جدید سخن می گوید که با ماهیتی زشت تر از جاهلیت پیش از اسلام دامن بشر را آلوده است. این دو تعبیر را بنگرید:

«ما أشبه جاهلیة القرن العشرين- فی زماننا بتلك الجاهلیة الأولى... إلا أنها أشنع و أفظع»؛ جاهلیت قرن بیستم چقدر به جاهلیت نخستین همانند است... [تفاوتی میان این دو جاهلیت نیست]، بلکه جاهلیت جدید زشت تر و زنده تر از گذشته است (همان: ۱۹۷). و ما هی [حضارة القرن العشرين] بحضارة و إنما هی قذارة و فجارة و لقد أحسن من قال:

إیه عصر العشرین ظنّوك عصراً
لست «نوراً» بل أنت «نار» و ظلم
تمدن قرن بیستم، تمدن نیست، بلکه آلودگی و فسق و تباهی است و چه نیکو سروده آنکه گفته است: بس کن قرن بیستم، مردم تو را دوران طلایی و خوشبخت کننده بشر می پندارند، اما برآستی تو نور نیستی، بلکه از هنگامی که انسان را حیوان پنداشتی، آتشی (همان: ۱۶۳).

آیا برآستی انسان معاصر چنین از شاهراه سعادت و کمالش به دور افتاده و در گرداب تباهی غوطه ور است؟ ممکن است این همه ناخرسندی صابونی، بازتاب فساد برخی مؤلفه های تمدن معاصر و نه تمامی آن و نیز فساد محیط پیرامونش باشد. گمان دیگر اینکه وی در این عرصه نیز به مانند حوزه های دیگر، متأثر از والایی فوق العاده دوران سلف، به چنین ارزیابی رسیده است.

مشتی از خروار

اکنون زمان آن است تا مشکلات اجتماعی را که صابونی بدان اشاره نموده، یاد گردد. از نمونه های برجسته این نابهنجاریها، وضعیت نامناسب زنان به هنگام حضورشان نزد نامحرم است. آشفته گی این وضعیت تا بدانجا او را می شوراند که در چند جای کتابش زشتی و نادرستی آن را تکرار می نماید (همان: ۱۵۷/۱، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۷۱) و در برخی موارد سخن را با استرجاع پایان می بخشد (همان: ۱۹۷ و ۴۱۳؛ ۳۸۴/۲).

او حجاب زنان امروزی را به پوشش نامناسب زمان جاهلی همانند می داند (همان) و همگان را به پیرایش این آرایش فرا می خواند (همان: ۱۶۷/۲). مسافرت دختران بی همراهی فرد محرم را نشان دور افتادن جامعه از تعالیم دین و خاموشی فروغ شهامت و مردانگی تلقی می کند، حتی اگر سفر دوشیزگان به شهرهای دوردست برای دانش اندوزی باشد (همان: ۱۴۳/۱ و ۱۴۴). مصافحه زن با مرد نامحرم را نیز بدین سان. وی پندار جواز این کار را بهتانی بزرگ قلمداد کرده است (همان: ۵۶۶/۲).

گسترش رابطه نامشروع و عادی شدن آن نیز می تواند مشکل دیگر اجتماع باشد. وی افزون بر بیان زشتی این کار، وضعیت امروز را با زمان جاهلی مقایسه می نماید. او می گوید: قلمرو این منکر فراتر از محدوده اش در زمان جاهلی دامن گسترانیده است؛ زیرا در آن روزگار تنها کنیزکان را بدین منکر وا می داشتند و امروزه افراد آزاد با حمایت قانون در این آلودگی غوطه ورنند (همان: ۱۹۷).

وی جز این، به برخی رفتارهای نادرست اقتصادی نیز اشاره می نماید. به عنوان نمونه مشکل آفرینی و آسیب زایی ربا را از زوایای شخصی، اجتماعی و اقتصادی بازگو نموده (همان: ۳۹۵/۱، ۳۹۶ و ۵۶۸) و در پایان نوشته است:

ربا سبب گرفتاریهای فراوانی است که اینک دامنگیر گروهها و جوامع می باشد و به افزونی انقلابهای داخلی نیز دامن می زند (همان: ۳۹۶).

همچنین باید اشاره کوتاه وی به قمار و نقش تخریبی آن در زندگی افراد یادآوری گردد. او در این باره نوشته است:

همواره شاهدیم که روزه روز برای بشر زیان و آسیبهای جدید شراب و قمار (که پیشتر آنها را نمی شناخت) آشکار می شود اینها تجلی و تبلور صدق و استواری کلام خداست که فرموده است: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾^۱ (مائده/ ۹۱). (همان: ۲۸۱)

نپرداختن به مشکلات مهمتر جامعه از غنای این بخش «روایع البیان» کاسته است.

۱. همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما دست برمی دارید؟

چه بسیار مشکلات عمیق و مهمتر که ذیل برخی آیه‌ها، طرح آن مناسب و ضروری بود و صابونی بدان نپرداخته است. مشکلاتی مانند معضلات کلان سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی و...

تحلیل مشکلات

صابونی در ریشه‌یابی مشکلات امروزی انگشت اتهام را به سوی چند عامل نشانه می‌رود؛ نخستین آن ناآگاهی دینی مردم است. وی این عامل را آبخشور نابسامانیها می‌داند. او در موردی آورده است:

برخی ناآگاهان می‌پندارند، حجاب در زمره کارهای واجب دینی نبوده، بلکه سنتی شکل گرفته از زمان عباسیان است. این گمان بهره‌ای از درستی ندارد و تنها می‌تواند بیانگر نادانی آنان به کتاب روشن خدا و یا بازگوکننده دسیسه پنهانشان باشد. مایلم پرده‌های پندارشان بدرم تا حق و باطل در هم نیامیزند و حقیقت آشکار گردد. این گونه گمراهان در این عصر چه فراوان و حضورشان برای جامعه و اخلاق چه زیان‌بار است؛ زیرا به نام اصلاح، آهنگ تخریب نموده‌اند (همان: ۱۷۹/۲ و ۳۸۷).

علاوه بر شبهه علمی، او به عامل دیگر پیدایش انحرافهای جامعه، یعنی شهوت عملی نیز اشاره می‌نماید. وی در موضعی چنین نگاه کرده است:

آوازی شوم افراد را به آشکار نمودن صورت زن در جامعه فرا می‌خواند. شمار فراوانی، این دعوت را پاسخ مثبت داده‌اند. پذیرش آنان نه از سر حق‌گرایی، بلکه به سبب هوامداری است؛ زیرا بدین وسیله درخواستهای نفسانی خود را تأمین می‌کنند، درخواستهایی که همواره برای انسان لذت‌بخش می‌نماید (همان: ۱۷۱).

وی افزون بر این به نقش منفی فرهنگ غربی و دل‌باختگی بدان را در پیدایش و گسترش مشکلات اجتماعی یادآور شده است (همان: ۵۲-۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۳).

او معتقد است دوران زندگانی سلف شایسته و صالح، دوران طلایی تاریخ اسلام است و واکاوی سیره آنان، زشتی برخی رفتارهای کنونی را به درستی برمی‌نمایاند و راه برون‌شدن از مشکلات، پیروی از شیوه سلف می‌باشد. به سخن او بنگرید:

هر آنکه زندگی سلف (صحابه و تابعان) را بررسی کند و نیز به شیوه‌ای که

زنانشان در نوع حجاب در پیش گرفته بودند، درنگرد و نیز رویه جاری در دوران طلایی اعصار اسلامی را ملاحظه کند، خطاپیشگی رفتار و گفتار برخی افراد درباره مسئله حجاب برایش آشکار می‌شود (همان: ۱۷۲ و ۳۸۴).

۴-۵. کتاب روائع البیان و اهل بیت علیهم السلام

گزارش چگونگی تعامل صابونی با اهل بیت علیهم السلام برای شناخت بیشتر کتاب، کاری شایسته و سودمند است. نکاتی که در پی می‌آید، تنها گزارش کوتاهی از نتیجه مطالعه اثر او از این زاویه نگاه و نه ارزیابی و داوری در این باره است.

الف) در این کتاب نام چهار تن از میان اهل بیت علیهم السلام به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاطر نشان شده است. در این میان نام حضرت علی علیهم السلام بیش از دیگر شخصیت‌های گراندقدر اهل بیت علیهم السلام یاد شده است. این موارد افزون بر ۲۰ مورد است که گزارش نظرات تفسیری (همان: ۱۲۰/۱، ۴۰۶، ۴۸۴؛ ۲۴۵/۲ و ۶۱۶)، فقهی (همان: ۲۸۰/۱ و ۳۶۴؛ ۶۱۵/۲)، شأن نزول (همان: ۱۴۸/۲)، سیره و رفتار و یا سخنان حضرت می‌باشد (همان: ۳۷۸/۱؛ ۴۳/۲، ۴۹، ۹۲، ۴۰۸ و ۴۹۲). او نام حضرت را گاه با تعبیری مانند «کرم الله وجهه» و «رضی الله عنه» همراه می‌سازد (همان: ۲۶/۲، ۲۷، ۳۲ و ۴۳).

ب) نکته دیگر اینکه او با استناد به برخی گزارشات سبب نزول آیاتی را درباره حضرت علی علیهم السلام دانسته که از دیدگاه شیعیان، راجع به حضرت نازل نشده (همان: ۴۸۰/۱)، اما انبوه گزارشاتی که آیه «اکمال» را درباره حضرت علی علیهم السلام دانسته‌اند، نقل نمی‌نماید (همان: ۵۲۶ و ۵۲۷).

ج) همچنین ذیل آیه «نجوی» روایتی به نقل از حضرت علی علیهم السلام گزارش کرده که ایشان تنها فرد عمل‌کننده به این آیه بوده‌اند، اما در ادامه، سخن قرطبی را گزارش نموده که در آن، عمل به مفاد آیه از سوی حضرت علی علیهم السلام انکار شده است (همان: ۵۴۷/۲ و ۵۴۸).

د) صابونی هنگام بررسی منزلت عایشه سخنی از آلوسی در این باره نقل کرده که در آن پس از پایان یافتن کلامش پیرامون مکانت و جایگاه عایشه، جمله‌ای نیز در فضیلت و برتری حضرت فاطمه علیها السلام بیان می‌نماید. سخنان آلوسی بدون هیچ‌گونه کاستی در گزارش صابونی منعکس شده است. عدم تقطیع سخن او می‌تواند گویای

همسویی و موافقت صابونی با آلوسی راجع به جایگاه فرازمند و موقعیت برتر حضرت فاطمه علیها السلام باشد.

آلوسی، چنین نگاشته است:

علی رغم آنچه درباره فضیلت و شخصیت عایشه گفتم، این جمله را به زبان نمی آورم که عایشه برتر از پاره تن و دختر بزرگوار و شایسته رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی فاطمه زهرا (رضی الله تعالی عنها) است (همان: ۱۱۶).

ه) در این کتاب یک روایت از امام حسن علیه السلام (همان: ۳۷۶/۱) و همچنین یک روایت از امام محمد باقر علیه السلام (همان: ۳۷۴) نقل شده است و در بحث وجوه قرائت نیز یک بار قرائتی از زید بن علی گزارش شده است (همان: ۴۴).

۶. علوم قرآنی

آگاهی از علوم قرآنی و به کارگیری آن از ابزارهای ضروری برای کشف و بیان معارف و احکام قرآنی می باشد. صابونی در تفسیر «روائع البیان» از اندوخته های علمی خود در حوزه این دانش سود می جوید. او به بحثهای مختلف علوم قرآنی پرداخته و از آن سود می برد. جهت رعایت اختصار تنها به گزارش دو عنوان اسباب نزول و نسخ در «روائع البیان» بسنده می شود:

۱-۶. اسباب نزول

از سخنان صابونی چنین برمی آید که او کوشیده تا تنها به روایتهای معتبر استناد نماید (همان: ۲۵۵/۲). با این حال ناسازگاری میان برخی روایتهایی که صابونی گزارش نموده آشکار است. ذیل آیه نخست سوره طلاق درباره سبب نزولش نگاشته: رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از همسرانش را طلاق داد، پس از آن این آیه نازل شد.

وی در ادامه سبب نزول دیگر را این چنین نقل کرده است: این آیه درباره ابن عمر نازل شده که همسرش را به هنگام حیض طلاق داد (همان: ۷۱/۱؛ ۵۹۳/۲).

صابونی سبب نزول آیه **﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ ﴾**

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید.

(نساء/ ۴۳) را درباره حضرت علی علیه السلام و جمعی دیگر دانسته است (همان: ۴۸۰/۱). اما ذیل آیه **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾**^۲ (مائده/ ۳) دیدگانش را یکسر بر انبوه سخنان محدثان و مفسران و حتی هم کیشانش که آیه را درباره امامت حضرت علی علیه السلام دانسته اند، فرو بسته و از تصریح بدان سر باز می زند (همان: ۵۲۶ و ۵۲۷).

این همه را یک سو نهد و به گزارش او درباره سبب نزول آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾**^۳ (حجرات/ ۶) بنگرید.

وی نخست سبب نزول را به نقل از احمد بن حنبل، درباره ولید گزارش نموده است. اما در ادامه هم صدا با فخر رازی گفته:

ولید فاسق نیست و آیه درباره او نازل نشده است، بلکه مراد آیه یادآوری ضرورت بررسی و جستجوی کافی به هنگام دریافت خبر است. تنها ارتباط آیه با کار ولید، هم زمانی اتفاقی این دو با یکدیگر است. دلیل درستی سخن اینکه خداوند در آیه نفرمود: من آیه را برای کار ولید نازل کردم. «إِنَّ اللَّهَ لَم يَقُلْ إِنِّي أَنْزَلْتُهَا كَذَا» (همان: ۵۸/۲، ۴۷۵، ۴۷۶ و ۴۸۷).

این همه در حالی است که عالمان قرآن پژوه گفته اند: بی تردید باید سبب نزول آیه در دامنه حکم آن آیه جای گیرد. عجیب تر اینکه صابونی خود درستی سخن قرآن پژوهان را باور دارد (همان: ۲۰۹ و ۴۸۵).

۱. این شأن نزول از نظر ما پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در مورد حضرت علی علیه السلام به هیچ وجه قابل تصور نیست، چه رسد که قابل پذیرش باشد. زیرا ما به عصمت پیامبران از حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و جانشینان بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله باور داریم و این گونه سخنان را درباره ایشان بر ساخته می دانیم. مراجعه به برخی منابع اهل سنت نیز نادرستی کلام کسانی را که شأن نزول آیه مورد بحث را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته اند، آشکار می نماید؛ آثاری مانند اسباب النزول واحدی؛ کشف زمخشری؛ الکافی الشافی فی تخریج احادیث الکشاف.

۲. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.

۳. ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک و ارسی کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید.

۲-۶. نسخ

صابونی جواز نسخ و نیز وقوع آن را پذیرفته و معتقد است که ادله فراوانی برای استوارسازی این ادعا در دست است (همان: ۱۰۳/۱). وی -مانند هم‌کیشانش- افزون بر «نسخ حکم و بقای تلاوت»، «نسخ تلاوت و حکم» و «نسخ تلاوت با بقای حکم» را نیز از انواع نسخ جایز دانسته و وقوعش را هم پذیرفته است.

صابونی دلیلی بر جواز «نسخ تلاوت و حکم» یاد نمی‌کند و نمی‌گوید که چگونه می‌توان به عدم تحریف قرآن باور داشت و در عین حال «نسخ تلاوت و بقای حکم» را ممکن دانست. شاید توجه به اشکالاتی که پذیرش این دو نوع نسخ به دنبال دارد، وی را واداشته تا در پایان بررسی این دو نوع نسخ چنین سخن بگوید:

این دو نوع نسخ در قرآن بسیار اندک و کمیاب است. اساساً خداوند کتابش را به این هدف نازل نمود تا مردم آن را بخوانند و به احکامش پایبند باشند (همان: ۱۰۴).

۷. منابع

صابونی در این اثر از منابع مختلف در حوزه دانش تفسیر، فقه، حدیث و ادبیات استفاده می‌کند. آنچه در این مجال، کتاب آیات الاحکام صابونی را از نگاه‌های مشابه متمایز می‌سازد، فراوانی منابع مهم و گزارش کوتاه آنهاست، به گونه‌ای که در موارد زیادی، خواننده به نظرات مختلف پیرامون یک مسئله آگاه و تا حدی از مراجعه به منابع دیگر بی‌نیاز می‌گردد. هرچند بیشتر منابع صابونی از نگاه‌های کهن است، اما تمام منابع منتخب او به این کتابها محدود نمی‌شود، بلکه مآخذ جدید (همان: ۳۳۵، ۳۳۰، ۴۳۱، ۴۳۷ و ۴۷۶؛ ۱۷۴/۲) و گاه مقالات چاپ‌شده در نشریات را نیز در بر می‌گیرد.^۱

نکته مهم دیگر درباره منابع کتاب صابونی این است که در میان آنها از آثار

۱. به عنوان نمونه او در بحث حجاب به مقاله یک نویسنده زن آمریکایی استناد می‌کند (همان: ۴۳۰/۱؛ ۳۹۰/۲).

عالمان شیعه (جز موارد بسیار اندک) کتابی به چشم نمی‌آید. در پیش گرفتن این شیوه از سوی صابونی به هنگام استفاده از منابع، دست کم ناپایبندی به شیوه درست پژوهش شمرده می‌شود و نیز سبب کاهش اعتبار این اثر در نگاه خواننده شیعه و یا علاقمندان به آگاهی از نظرات عالمان شیعی می‌گردد.

براستی چرا صابونی که در قرن (۱۴ ق.) روزگار می‌گذراند و در گزارش از منابع کوشاست، برابر انبوه آثار معتبر دانشوران شیعی چشم بر هم نهاده و بی‌توجه از کنار آن می‌گذرد؟

در اختیار نداشتن آثار علمی شیعه، پذیرا نبودن فضای فکری و فرهنگی مخاطبان صابونی و جامعه‌ای که وی در آن می‌زیسته، کم‌اهمیت پنداشن آثار عالمان شیعه و سرانجام تعصب و ورزی، فرضیه‌هایی است که در این باره قابل بررسی است. هرچند برای اظهار نظر قطعی دسترسی به آگاهیهای افزونتر ضروری است، اما به نظر دو احتمال اخیر از قوت بیشتری برخوردار است. صابونی درباره روش خود نوشته است: مطالب دیگران را با ذکر نام منبع به همراه دقت کامل و با مراعات امانت‌داری علمی نقل نمودم (همان: ۱۲/۱). او در بیشتر موارد کتاب چنین کاری را انجام داده است. پاره‌ای از تعابیر صابونی در پانوشت کتاب که پس از ذکر نام و نشانی منبع آمده، نشان امانت‌داری کامل او در نقل مطلب است. تعابیری مانند «بتصرف» (همان: ۲/۳۳۵، ۴۴۹، ۴۵۳ و ۴۷۹)، «باختصار» (همان: ۴۵۳) و «بشیء من الإيجاز» (همان: ۱۰۱/۱؛ ۱۰۳). اما همه پانوشتها که نام منبع را یادآور شده، از دقت کامل برخوردار نیست (همان: ۵۷، ۱۰۵ و ۵۹۹؛ ۱۹۵/۲، ۲۱۷، ۵۰۸، ۵۳۱ و ۵۶۳). توضیحات صابونی در پانوشتها و ارجاع خواننده به منابع تکمیلی، حضور پویای او در گزارشات را خاطر نشان می‌کند.

۸. ارزیابی پایانی

کتاب «روائع البيان في تفسير آیات الاحکام» نگاشته آقای «محمدعلی صابونی» یکی از نگاه‌های مهم و سودمند در زمینه تفاسیر فقهی است که عالمان اهل سنت در روزگار کنونی تدوین نموده‌اند. صابونی در این اثر، انبوهی از اطلاعات و

آگاهیهای معتبر منابع کهن را فراهم آورده و آرای مهم در هر باب را برابر خواننده نهاده و او را از مراجعه به بسیاری از منابع بی‌نیاز می‌کند.

او به خوبی مطالب مختلف در منابع را از هم جدا نموده و گزارشی کوتاه و گویا از آنها ارائه می‌نماید. همچنین در ارجاع مطالب به منابع و مآخذ نیز دقت می‌کند. گزینش قول برتر که با تکیه بر ادله صورت گرفته، گام دیگر صابونی در این مسیر است که به پرباری کار او افزوده است. او هنگام بررسی مباحث هر باب بحث خود را به گونه‌ای منظم ذیل ۱۰ عنوان پی می‌گیرد. این نظم دیده‌نواز حاکم بر کتاب گویای ذهن منظم او و سبب سهولت دست‌یابی به مباحث می‌گردد.

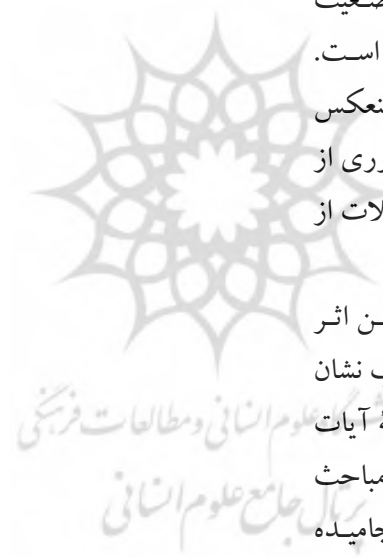
هرچند او دل در شایستگی و ارزشمندی آرای سلف دارد، اما چشم بر وضعیت امروز جامعه نبسته و به نوعی آنها را در بررسی‌هایش مورد توجه قرار داده است. نظرات عالمان معاصر و نیز برخی شبهات نوین و پاسخ آنها را در اثرش منعکس نموده است که سبب رونق افزونتر اثرش شده است. پرهیز از درازنویسی و دوری از به کارگیری واژگان دشواریاب و انتخاب ساختار و قالب مناسب برای جملات از دیگر محسنات قلم صابونی به شمار می‌آید.

با این همه نمی‌توان راهیابی برخی کاستیها و وجود نقاط ضعف در این اثر شایسته را نادیده انگاشت. نخستین نارسایی این اثر را می‌توان در ساختار کتاب نشان داد. هرچند ساختار کتاب مبتکرانه است و مباحث را در قالب محاضره و ارائه آیات مناسب آن بر اساس نظم قرآن پی می‌گیرد، اما این روش، ناخواسته به تکرار مباحث و گسست آنها از یکدیگر و نیز نپرداختن به عناوین و موضوعات مهم انجامیده است.

نکته دیگر اینکه علی‌رغم انعکاس آرای مختلف مذاهب (که برخی به تصریح صابونی بسیار سست و نااستوار است) از انبوه آرای مهم و معتبر شیعه نشانی در کتاب نیست و نیز از منابع سرشار روایی که بیانگر گفتار و رفتار راهگشای اهل بیت علیهم‌السلام جز موارد بسیار اندک استفاده نشده است.

هرچند صابونی در تلخیص مطالب تواناست، اما گاه برخی عناوین بی‌ارتباط با

بحث را به گونه مفصل و خسته‌کننده بررسی می‌نماید. ناهماهنگی بعضی عناوین با مطالب مندرج در ذیل آن نیز کاستی دیگر این اثر است. در برخی موارد شاهد تند شدن قلم صابونی و نیز گزینش آرا و یا توجه برخی مسائل با تکیه بر ادله سست و شاید آمیخته با جانبداری و تعصب مذهبی هستیم که نبود آنها می‌توانست پرباری کتاب و ارزشمندی افزونتر اثر را به دنبال داشته باشد.



کتاب شناسی

١. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
٢. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، بی جا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، ١٤١٤ ق.
٣. خرماهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بی جا، دوستان و ناهید، ١٣٧٧ ش.
٤. الخن، مصطفی سعید، اباحت حول الفقه الاسلامی، تاریخه و تطوره، بی جا، دار الکلم الطیب، ١٤٢٠ ق.
٥. همو، اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیه فی اختلاف الفقهاء، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الرساله، ١٤٢٤ ق.
٦. صابونی، محمد علی، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢١ ق.
٧. صالح، عبدالقادر محمد، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، بی جا، دار المعرفه، ١٤٢٤ ق.

